

تبیین الگوی طراحی مسکن، بر مبنای معیارهای عینی حس تعلق به مکان از دیدگاه کاربران و طراحان (مطالعه موردی: شهر کرمانشاه)

یزدان سلطانی*، محسن فیضی**، محمدمنصور فلامکی***، مهناز محمودی زرنندی****

تاریخ دریافت مقاله: ۹۸/۹/۵

تاریخ پذیرش مقاله: ۹۸/۱۰/۱۰

چکیده

مسکن تنها یک ساختار نیست بلکه نهادی است که برای پاسخگویی به مجموعه‌ای پیچیده از اهداف ایجاد می‌شود؛ بی‌توجهی و عملکردگرایی دیدگاه‌های مدرنیستی توسعه، انسان، شهر و معماری را از معنا بیگانه و از حس تهی ساخته است؛ شهر کرمانشاه نیز از این شرایط مبرا نبوده، بنابراین این پژوهش به منظور تقویت حس تعلق به مکان در خانه‌های مسکونی معاصر، از روش تحقیق توصیفی تحلیلی و پیمایشی سود جسته است. ابتدا معیارهای مؤثر در حس تعلق شناسایی شده و سپس پرسشنامه‌هایی بر این اساس طراحی و در دو گروه طراحان و شهروندان توزیع شده و نتایج با نرم‌افزار آموس آنالیز گشته است. نتایج حاکی از آن است که از نظر شهروندان شهر کرمانشاه مهم‌ترین معیار در شکل‌گیری حس تعلق در فضای مسکونی، "راحتی و انس با فضا" و بعد از آن "حضور نشانه‌های فرهنگی" و "سرزندگی و کیفیت بصری" می‌باشند، ولی از نظر طراحان، "سلسله‌مراتب فضایی و نحوه دسترسی به آن" دارای بیشترین تأثیر است. این تحلیل بیانگر شکاف بین طراحان و کاربران است که می‌تواند با مطالعاتی از این دست به انسجام بیشتری برسد.

واژگان کلیدی

حس تعلق به مکان، مسکن معاصر، خانه‌های سنتی کرمانشاه، شهر کرمانشاه

* دانشجوی دکتری تخصصی معماری، دانشکده فنی و مهندسی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

** استاد دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت، تهران، ایران

*** استاد دانشکده معماری، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، ایران

**** دانشیار دانشکده فنی و مهندسی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

بیان مسئله

رلف در تعریف مکان تأکید می‌کند که مکان‌ها برخلاف فضا انتزاعی نبوده، بلکه مفاهیمی هستند که به‌طور مستقیم از جهان تجربه می‌شوند؛ بنابراین مکان‌ها سرشار از معانی، چیزهای واقعی و فعالیت‌های جاری در آن‌ها هستند. درواقع از تعریف می‌توان نتیجه گرفت که یک مکان واقعی فضایی است که تحت‌الشعاع معانی آن قرار دارد (پاکزاد، ۱۳۹۰، ۱۹۴). رلف هشدار می‌دهد که انکار جنبه‌های معنایی از مکان یا به‌عبارتی دیگر حذف معنا از مکان و تقلیل آن به فضا است که بی‌معانی را به وجود خواهد آورد (همان، ۱۸۵). جهانی که به‌این ترتیب به فردیت منزوی و به روزمرگی سپرده‌شده است موضوعات جدیدی را در برابر انسان قرار می‌دهد که قابل تأمل و تفکر هستند. ازجمله این موضوعات احساس تعلق فرد به مکان زندگی است که از موضوعات موردبحث در علوم مختلف از جمله معماری است. یک معمار وظیفه دارد مکان را به‌صورت تمام و کمال در ذات خود آشکار کند. (صافیان، ۱۳۹۰، ۱۲۴). درواقع در بنا است که مکان به مخاطب خود اهدا می‌شود. با توجه به اهمیت مسکن و سکونت و تأکید بر لزوم تقویت پیوندهای عاطفی با مکان پس شاید بتوان با تقویت این حس در محیط مسکن به کیفیتی مطلوب در چارچوبی معمارانه رسید. این پژوهش در راستای ارتقای حس مکان سکونت‌گاه‌های شهر کرمانشاه و در جهت تعمیق شناخت و بازاندیشی نحوه‌ی به سکونت درآمدن انسان در مکان گام برمی‌دارد. درواقع آنچه در این پژوهش محل پرسش است، معیارها، مؤلفه‌ها و شاخص‌هایی جهت ارتقای حس مکان در سکونت‌گاه‌های نوساز شهر کرمانشاه است. بنابراین پرسش‌های پژوهش بدین شکل مطرح می‌شود: معیارهای مؤثر در حس تعلق به مکان در فضاهای مسکونی شهر کرمانشاه کدام است؟

از دید کاربران و طراحان کدام مؤلفه بیشترین اهمیت را در حوزه‌ی هویت‌پذیری و ارتقا حس مکان در حوزه مسکن شهر کرمانشاه دارا است؟ با توسعه جوامع انسانی و تغییر شیوه زندگی و سکونت مردم، توجه معماران، طراحان و برنامه‌ریزان به کیفیت فضاها و محیط‌های ساخته‌شده افزایش یافته و نقش طراحی به‌عنوان ابزاری برای شکل‌دادن به محیط زندگی و پاسخگویی به توقعات و نیازهای انسان اهمیت بیشتری یافته است و پژوهش‌های زیادی درباره چگونگی تأثیر متقابل محیط یا فضای ساخته‌شده بر ذهنیات و رفتارهای انسان، انجام‌شده است. پژوهش‌های انجام‌شده نشان می‌دهد که محیط علاوه بر عناصر کالبدی شامل پیام‌ها، معانی و رمزهایی است که مردم بر اساس نقش‌ها، توقعات، انگیزه‌ها و دیگر عوامل آن را رمزگشایی و درک می‌کنند و در مورد آن به قضاوت می‌پردازند. (Rapaport, 1990) این حس کلی که پس از ادراک و قضاوت نسبت به محیط خاص در فرد به وجود می‌آید حس مکان نامیده می‌شود که عاملی مهم در هماهنگی فرد و محیط، باعث بهره‌برداری بهتر از محیط، رضایت استفاده‌کنندگان و درنهایت احساس تعلق آن‌ها با محیط و تداوم حضور در آن می‌شود (فلاح، ۱۳۸۵، ۶۰).

در خصوص تحقیقات صورت گرفته در زمینه حس تعلق و دل‌بستگی به مکان، تا پیش از دهه ۷۰ میلادی و در مطالعات انجام‌شده در زمینه رابطه انسان و محیط عملاً به انگاره تعلق و دل‌بستگی به مکان توجه نشده است. اما پس‌از آن بخصوص از دهه ۹۰ میلادی به بعد تحقیقات چندی در این زمینه انجام‌شده. چند نمونه از پژوهش‌های انجام‌شده در ارتباط با حس تعلق به مکان را می‌توان این‌چنین بیان نمود:

جدول ۱- پیشینه تحقیق (منبع: نگارندگان)

موضوع و دستاورد پژوهش	پژوهشگران
بررسی گسترده در زمینه دل‌بستگی مکانی و هویت اراضی شهری	Jordan, T., ۱۹۹۶
الگوی سه زمینه‌ای برای توضیح چگونگی درک معنای مکان در انسان	Gustafson, ۲۰۰۱
بررسی میان رفتارهای فردی و جمعی با خصیصه‌های شناختی ادراکی، هویت و نگرش‌های فردی در مدل حس تعلق و دل‌بستگی به مکان	Stedman, ۲۰۰۲
تبیین نظریه در ارتباط بین حس تعلق باتجربه‌های فردی	Backlund & Williams, ۲۰۰۳
ساخت ابزاری برای سنجش حس تعلق و دل‌بستگی به مکان	Williams & Vaske, ۲۰۰۳
ارتباط بین کیفیت و میزان رضایت از خدمات را با متغیر تعلق مکانی	Brocato, Elisabeth Deanne -۲۰۰۶
تحلیل کیفی و کمی حس تعلق به مکان	Patterson, M.E., and Williams, D.R., ۲۰۰۵
بررسی ارتباط حس تعلق و دل‌بستگی به مکان با هویت مکانی	Hernandez et al, ۲۰۰۷
تأثیر چگونگی ادراک محیطی، بر حس تعلق و دل‌بستگی به مکان	Rollero & Piccoli, ۲۰۱۰

بررسی معیارهای جهت‌یابی فضایی و تصور مکانی در ارتقا حس مکان؛	Lindsay J. McCunn & Robert Gifford, ۲۰۱۷
تأثیر دنیای فناوری در شناخت محیط و شکل‌گیر حس مکان؛	Roger B. Chen, Ashok Sekar, ۲۰۱۸
تبدیل چشم‌انداز به جامعه شهری و تحقق حس مکان	Kadri Kasemets, Annemarie Rammo, Palang, ۲۰۱۹ Hanes
تأثیر میراث محیطی در شکل‌گیری حس تعلق	Wells, Jeremy C., Stiefel, Barry L, ۲۰۱۹
بررسی مفهوم حس مکان و عوامل مؤثر بر آن و تأثیر عوامل کالبدی و عوامل شناختی استفاده‌کنندگان بر احساس افراد نسبت به فضا	فلاحت - ۱۳۸۵

روش تحقیق

این پژوهش از روش تحقیق، توصیفی تحلیلی و شیوه‌های تحقیق بررسی متون در بستر مطالعات کتابخانه‌ای و از روش تحقیق پیمایشی سود جست است؛ بنابراین دو نوع پرسشنامه، متناسب با موضوع و بر مبنای طیف پنج‌گزینه‌ای لیکرت، یکی برای طراحان این حوزه با تعداد ۱۵ نفر و دیگری برای شهروندان شهر کرمانشاه با تعداد ۳۸۴ نفر طراحی و در تابستان سال ۹۸ توزیع شد. سپس از روش‌های آماری مدل‌سازی معادلات ساختاری، تحلیل عاملی تأییدی و مدل رگرسیونی خطی چندگانه برای تعیین ماهیت رابطه بین انگاره‌های حس تعلق به مکان و رتبه‌بندی معیارها، توسط نرم‌افزار آموس (Amos 12) استفاده شده است.

بازشناسی معیارهای مؤثر در حس تعلق به مکان

در فرآیند شکل‌گیری حس تعلق به مکان و به‌واسطه تجربه حسی مکان و قرارگیری فرد در معرض اطلاعات محیطی، میان انسان و مکان به‌طور مداوم پیام‌هایی ردوبدل می‌شود. در این فرآیند انسان گاهی آگاهانه و گاهی ناخودآگاه مجموعه‌ای از معانی، نشانه‌ها و ارزش‌های محیطی را شناسایی می‌کند، آن‌ها را به یکدیگر مرتبط می‌سازد و با انباشت‌های ذهنی خود پیوند می‌دهد. انسان به کمک این فرآیند مستمر به قضاوت و ارزیابی مکان اقدام کرده و نسبت به آن واکنش نشان می‌دهد. بر مبنای مطالعات صورت گرفته می‌توان معیارهای مؤثر در حس تعلق را به شرح جدول ۲ بیان نمود.

جدول ۲- شناسایی معیارهای مؤثر در حس تعلق به محیط - منبع: نگارندگان

منبع	عوامل فضایی - متغیر پنهان	
بهرام پور و مدیری، ۱۳۹۴ حبیبی، ۱۳۷۹	حضور نشانه‌های فرهنگی	F1
	نشانه و نماد تاریخی	F2
Ge & Hakao, 2006	سرزندگی و کیفیت بصری	F3
سرمست و متوسل، ۱۳۸۹	عوامل خاطره‌انگیز	F4
صادقی و همکاران، ۱۳۹۱	انعطاف‌پذیری و قابلیت تغییر فضا	F5
بهرام پور و مدیری، ۱۳۹۴	نمادهای گیاهی	F6
قاسمی، ۱۳۹۰	شفافیت	F7
English Partnerships, 2011. Carp et al, 1976	تعمیر، نگهداری و تغییر در کالبد	F8
Ujang, 2010	کیفیت کالبدی و امکانات	F9
حیدری و همکاران، ۱۳۹۳	بافت	F10
بهبزادفر، قاضی زاده، ۱۳۹۰. میر غلامی، ۱۳۹۵	تزیینات	F11
بل، سایمون: ۱۳۸۶	نورگیری فضا	F12
Teo & Huang, 1996. ۱۳۸۴. ترنر، ۱۳۸۳	رنگ	F13
فرهنگی، ۱۳۷۴	مصالح ساختمانی مقاوم با توجه به اقلیم	F14



F15	دسترسی	زبردست و بنی عامریان، ۱۳۸۹
F16	روابط و چیدمان	حیدری و همکاران، ۱۳۹۳
F17	تناسب فضا (ابعاد و ارتفاع فضا)	Amerigo & Argones, 1990 حیدری و همکاران، ۱۳۹۳
F18	زیربنا	کشفی و دیگران، ۱۳۹۱ Bonnes et al, 1991
F19	گسترده‌گی فضای باز	Lewicka, M, 2008
F20	تنوع فضایی	فکوهی و غزنویان، ۱۳۹۱
F21	تراکم و تعداد طبقات	کشفی و دیگران، ۱۳۹۱ Bonnes et al, 1991
F22	مالکیت	چرخچیان، ۱۳۸۸؛ بیر و هیگنز، ۱۳۸۱
F23	امنیت	نیومن، ۱۳۸۷؛ شمعی و پوراحمد، ۱۳۸۴
F24	وضوح کالبدی، تداعی معنا	فلاح، ۱۳۸۵
F25	تعادل بین فضای باز و بسته	Lewicka, M, 2008
F26	محرمیت	نقره کار، ۱۳۸۸
F27	راحتی - آشنایی و انس با فضا	Khaef & Zebardast, 2015. Seamon, 2000
F28	رضایت	نقره کار، ۱۳۸۸ Van Kamp et al, 2003. Van poll, 1997. Galster, Hesser, 1981

بستر پژوهش

شهر کرمانشاه به دلیل اسکان دادن جمعیت بالایی از جنگ‌زدگان مرز غربی در زمان جنگ تحمیلی؛ همچنین با توجه به اینکه تنها قطب بزرگ در غرب کشور است، با افزایش جمعیت و تراکم آن مواجه شد که این مسائل منجر به گسیختگی بافت شهری و ادغام چند روستا حاشیه‌ای در کالبد این شهر شده است، که مجموع این عوامل پایین بودن و تنزل کیفیت بافت شهری را در پی خواهد داشت (دارایی، ۱۳۹۶: ۲).

وضعیت سکونتی فعلی شهر کرمانشاه

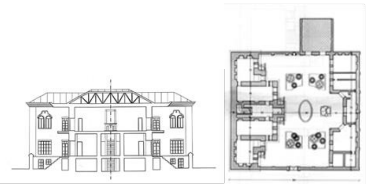





جامعه آماری، شهر کرمانشاه با مساحت ۱۰۱۰۶، هکتار با مساحت سطح ۸۹۸۶۵ هکتار، جمع سطوح خالص ۶۳۱۲ هکتار و سطوح مسکونی ۱۹۷۵ هکتار که ۸۵۴۱۱۵ نفر و ۲۴۲۳۱۱ خانوار و ۲۲۵۱۸۰ واحد مسکونی که با تراکم جمعیت ۸۵ نفر در هکتار، تراکم کلی مسکونی ۱۳۵ نفر در هکتار، تراکم ناخالص مسکونی ۱۸۰ نفر در هکتار و تراکم خالص مسکونی ۴۳۱ نفر در هکتار، تراکم نفر در واحد مسکونی ۳/۷۸ و نرخ بعد خانوار ۳/۵۱ نفر در خانوار، تراکم خانوار در واحد مسکونی ۱/۰۷ بوده است (مرکز آمار ایران، سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۸۹) بیشترین فراوانی مربوط به مساحت سطح زیربنای واحد مسکونی ۱۰۱-۱۵۰ مترمربع با ۲۲/۳۶ درصد و سطح زیربنای زیر ۱۰۰ مترمربع (کمتر از ۵۰-۵۰-۷۵ و ۸۰-۷۶ و ۸۰-۸۱ و ۱۰۰) مجموعاً ۶۰/۵۱ درصد از شهر کرمانشاه را در بر گرفته است (مرکز آمار ایران، سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۸۹). ۵۶/۹۹ درصد از واحدهای مسکونی در شهر کرمانشاه یک طبقه، ۲۹/۵۵ درصد دوطبقه، ۷/۰۵ درصد سه طبقه، ۳/۹۷ درصد؛ ۵ طبقه و بیشتر ۲/۴۳ درصد است. بیشترین فراوانی واحدهای مسکونی یک طبقه بوده است (مرکز آمار ایران، سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۸۹). به‌طور کلی بر اساس مطالعات، ۱۳۹۴، تنها ۳/۴۸ درصد از واحدهای مسکونی شهر کرمانشاه بر اساس همپوشانی کلیه لایه‌های کیفی و کمی در GIS، دارای شرایط مناسب بوده‌اند. بنابراین، شهر کرمانشاه، در زمینه شاخص‌های کمی و کیفی مسکن در شرایط نامناسب قرار دارد (رستمی، ۱۳۹۴، ۱۴۸).

بررسی‌های محلی و استخراج مؤلفه‌های فرمی، فرهنگی و بومی خانه‌های کرمانشاه

در تعیین نیازهای کیفی و ضروریات اساسی مسکن در جامعه معاصر، تجربه گذشتگان اهمیت زیادی دارد. در واقع باید اذعان نمود که هیچ ساخته و حتی فرآورده انسانی را نمی‌توان سراغ گرفت که از فرهنگ تأثیر نپذیرفته و یا بر آن اثر نگذارد (نقی زاده، ۱۳۸۱: ۶۱). از این رو بررسی خانه در ادوار گذشته و تحلیل ویژگی‌های مربوط به نوع مصارف و فضاهای مختلف خانه‌های سنتی می‌تواند ارزش‌های کیفی مشترکی را نشا

ن دهد که هم‌اکنون نیز می‌بایست مدنظر قرار گیرد (آصفی، م؛ ایمانی، ا، ۱۳۹۵، ۵۷) در واقع هدف تحقیق رسیدن به معیارهایی برای تأمین کیفیت مسکن معاصر جهت کاربرد در برنامه‌ها و سیاست‌های کلی مسکن در شهر کرمانشاه است. نوشتار حاضر در پی پاسخ به این پرسش اساسی است که چه شاخصه‌ای کیفی از معماری سنتی را می‌توان با توجه به تغییرات شرایط جامعه و نیز تغییر شیوه زندگی مردم، در دوره حاضر در مسکن معاصر به کار بست تا هویت مطلوب آن به دست آید بدین منظور شش‌خانه حائز ارزش به شرح جدول ۳ مورد بررسی قرار گرفته و نتایج بررسی در جدول شماره ۴ ارائه گردیده است، که نشان می‌دهد خانه‌های سنتی در همپوشانی کامل با معیارهای شناسایی شده می‌باشند.

جدول ۳- بررسی خانه‌های سنتی شهر کرمانشاه

خانه سیدین	خانه صمدی	خانه رنده کش - خواجه باروخ
		
خانه حکیم نصیر زرشکیان	خانه جلیلیان	خانه حاج اکبری
		

جدول ۴- ارزیابی خانه‌های ارزشمند بومی انتخابی - منبع نگارنده

عوامل فضایی	خانه‌های ارزشمند بومی شهر کرمانشاه
۱ هویت، نشانه‌های، نمادهای تاریخی، نمادهای فرهنگی	- پوسته بیرون برای محافظت از حقیقت درون - استفاده از گره چینی‌ها و گاه‌نقاشی‌های طبیعی - آب و گیاهان بومی و تاق‌های ایوان‌های مشرف
۲ سرزندگی و کیفیت بصری	- تأمین نیازهای زیباشناختی با ترکیب‌بندی صحیح
۳ عوامل خاطره‌انگیز	- حضور آب، گیاهان، فضاهایی برای حضور جمع
۴ انعطاف‌پذیری و قابلیت تغییر فضا	- نظم موزون وحدت و تداوم مکانی با رعایت سلسله‌مراتب
۵ نمادهای گیاهی	- در نظر گرفتن ارتباط همیشگی انسان و طبیعت
۶ شفافیت	- تفکیک عرصه‌های خصوصی، نیمه عمومی - ورودی طراحی شده خانه - حریم بندی فضا
۷ تعمیر، نگهداری و تغییر در کالبد	- کمترین خرابی در گذر زمان
۸ کیفیت کالبدی و امکانات	- سازگاری معماری، سازه و تزیینات - تبعیت سازه از سازمان فضایی - کمال ظرافت و توجه به زیباشناسی در طراحی سازه و استفاده از مصالح

۹	بافت و تزئینات	- تزئینات غنی و استفاده به صورت مختصر و تأثیرگذار
۱۰	نورگیری فضا	- فضاهای اصلی دارای امکان نورگیری مناسب
۱۱	رنگ	- رنگ به صورت طبیعی و به واسطه حضور مصالح
۱۲	مصالح ساختمانی مقاوم با توجه به اقلیم	- بهره‌گیری از مصالح بومی و مقاوم در برابر اقلیم - در نظر گرفتن ضخامت بدنه و ارتفاع بنا مطابق با شرایط اقلیمی
۱۳	دسترسی	- دسترسی از طریق محله - راه‌های داخلی با سلسله‌مراتب اهمیت فضا
۱۴	روابط و چیدمان	- دارای سلسله‌مراتب در چیدمان
۱۵	تناسب فضا	- توجه به مقیاس انسانی، پیمون و تناسبات
۱۶	تنوع فضایی	- دارای حداقل یک حیاط به صورت مرکزی، فضاهای اصلی که دور حیاط قرار می‌گیرند مانند انواع اتاق‌های سهدری، پنج‌دري، حوض‌خانه، تالار، بالاخانه، ارسی و ... و فضاهایی در طبقه زیرزمین و یا پشت فضاهای اصلی مانند مطبخ، انبار و ...
۱۷	تراکم و تعداد طبقات	- یک تا سه طبقه (طبقات گاه‌ها همپوشانی کامل نداشته و این امر موجب تنوع فضایی بیشتر می‌شود)
۱۸	مالکیت	- سنخیت و همخوانی بین فضاهای هم‌نشین در بافت شهر
۱۹	امنیت	- قرارگیری در بافت مرکزی شهری - حضور در محله به عنوان هویت دوم
۲۰	وضوح کالبدی، تداعی معنا	- ایجاد یکپارچگی بصری با طراحی حیاط‌ها و فضاهای رابط
۲۱	تعادل بین فضای باز و بسته	- دارای فضاهای واسطه: حیاط‌ها، ایوان‌ها، بالکن، پنجره‌های مشرف به حیاط
۲۲	محرمیت	- نمونه‌ها اکثراً درون‌گرا بوده و پنجره‌های فضاهای اصلی رو به حیاط داخلی باز می‌شده است.
۲۳	راحتی - آشنایی و انس با فضا	- انطباق کامل مسکن و محیط مسکونی با سبک زندگی
۲۴	رضایت	- سعی در جهت تأمین آرامش واقعی انسان و کسب رضایت او

نتایج و داده‌ها

برای مدل پیشنهادی ارائه‌شده (جدول ۲) دو نوع متغیر در نظر گرفته شده است. متغیرهای پنهان، که انگاره‌های اصلی مؤثر در حس تعلق به مکان هستند و با F مشخص شده‌اند و متغیرهای آشکار که جزئی از بدنه کلان انگاره‌های اصلی است و با حروف A نمایش داده شده‌اند. در این طراحی برای طراحان و شهروندان ۲۸ متغیر پنهان و ۹۰ متغیر آشکار مورد ارزیابی قرار گرفته است. با توجه به جدول ۵ تحلیل انجام شده پایا و قابل قبول است و بنا بر تحلیل ضرایب مسیر یا میزان رابطه بین متغیرهای مستقل و متغیر وابسته حس تعلق به مکان و بارهای عاملی، سلسله‌مراتب فضایی و نحوه دسترسی بیشترین تأثیر را در حس تعلق به مکان از نظر طراحان داشته و بعد از آن معیارهای تنوع فضایی و تراکم و تعداد طبقات دارای بیشترین تأثیر می‌باشند.

جدول ۵- برآزش کلی مدل

Model	RMR	GFI	AGFI	CFI	RMSEA	LO 90	HI 90
Default model	0/060	0/931	0/869	0/0922	0/029	0/077	0/087

تحلیل روابط میان متغیرهای آشکار و پنهان در مدل پیشنهادی سنجش حس تعلق به مکان، برای شهروندان به شرح تصویر ۲ و جدول ۷ هست. آنالیزها نشان می‌دهد که بین، حضور حیاط و نشانه فرهنگی و نشانه‌های تاریخی؛ تنوع فضایی و نشانه فرهنگی، تراکم و تعداد طبقات و نشانه فرهنگی؛ چیدمان فضایی و عوامل خاطره‌انگیز؛ چیدمان فضایی و شفافیت؛ تعمیر و نگهداری و رضایت؛ چیدمان فضایی و میزان نورگیری، رنگ و تناسب فضا؛ تزیینات و نشانه فرهنگی، روابط و چیدمان و رضایت؛ تنوع و راحتی فضا بیشترین میزان رابطه معنادار (>0.95) برقرار است.

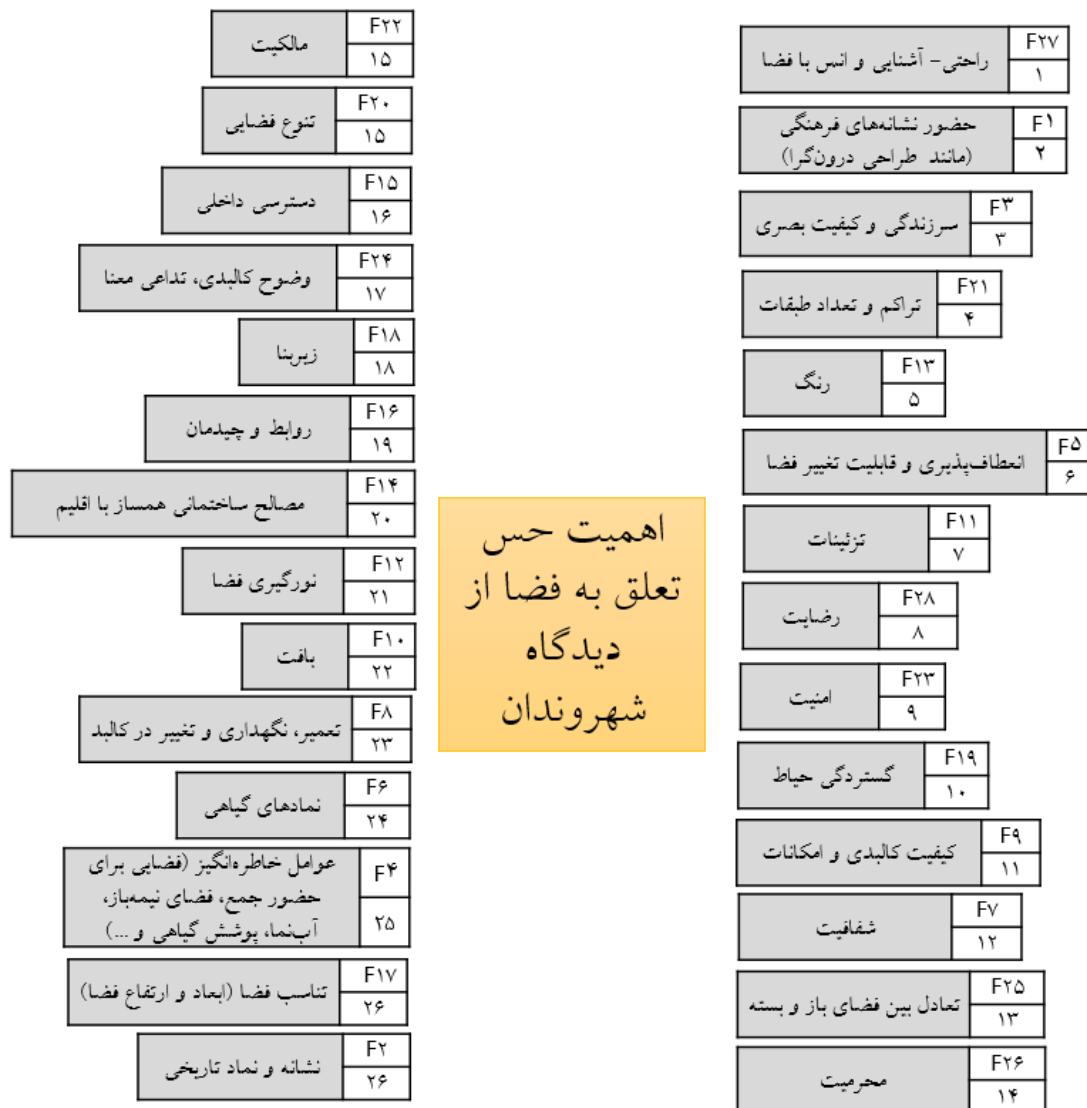
جدول ۷- میزان رابطه بین متغیرهای مستقل و وابسته بر حسب نظر طراحان

۰/۵۹۰	F۲۵	۰/۹۷۰	F۱۷	۰/۳۱۲	F۹	۰/۱۹۰	F۱
۰/۱۳۷	F۲۶	۰/۳۲۰	F۱۸	۰/۴۵۹	F۱۰	۰/۰۵۹	F۲
۰/۴۲۶	F۲۷	۰/۱۰۱	F۱۹	۰/۳۱۱	F۱۱	۰/۲۸۳	F۳
۰/۸۸۰	F۲۸	۰/۸۳۵	F۲۰	۰/۷۷۷	F۱۲	۰/۴۹۳	F۴
۰/۷۰۳	F۲۹	۰/۱۲۸	F۲۱	۰/۳۵۳	F۱۳	۰/۳۱۴	F۵
		۰/۱۲۱	F۲۲	۰/۲۳۶	F۱۴	۰/۲۶۲	F۶
		۰/۲۵۳	F۲۴	۰/۰۲۰	F۱۵	۰/۸۳۵	F۷
		۰/۵۶۲	F۲۴	۰/۸۴۶	F۱۶	۰/۲۵۹	F۸

بحث و نتیجه‌گیری

مروری بر شرایط مسکن در جوامع مختلف نشان می‌دهد که تقریباً هیچ کشوری مدعی حل مشکلات مسکن در جامعه خود نیست. در کشورهای درحال توسعه مشکلات کیفی و کمی توأمان مسئله مسکن را بحرانی کرده و نیازمند مطالعه و بررسی کرده است. سکونت را می‌توان بیانگر تعیین موقعیت و احراز هویت دانست. سکونت بیانگر برقراری پیوندی پرمعنا بین انسان و محیطی مفروض هست که این پیوند از تلاش برای هویت یافتن یعنی به مکانی احساس تعلق داشتن ناشی گردیده است. شهر کرمانشاه تنها قطب بزرگ در غرب کشور است که همچون سایر شهرها نیازمند بازنگری در زمینه طراحی فضاهای مسکونی دارد. در این پژوهش ابتدا بر مبنای مطالعات کتابخانه‌ای، بررسی داده‌های موجود کلیه معیارهای مؤثر در حس تعلق به مکان بازنمایی و سپس با بررسی خانه‌های سنتی کرمانشاه میزان حضور این معیارها در این فضاهای اصیل و ارزشمند مورد ارزیابی قرار گرفت که نتیجه نشان‌دهنده هم‌پوشانی کامل معیارها با ویژگی‌های طراحی این خانه‌ها بوده است، در ادامه با توزیع پرسشنامه در بین شهروندان شهر کرمانشاه این معیارها مورد ارزیابی قرار گرفت و تماماً معتبر و دارای ارزش شناسایی شد که ترتیب اهمیت آن به شرح نمودار ۳ است و بدین ترتیب سؤال اول پژوهش پاسخ داده شد.

برای پاسخ به سؤال دوم پژوهش، پرسشنامه‌ای برای طراحان و متخصصین طراحی و توزیع گردید، نتایج با نرم‌افزار مربوطه تحلیل و با نتایج آماری پرسشنامه شهروندان موردقیاس قرار گرفت، تفاوت‌های زیادی بین دیدگاه شهروندان و طراحان به چشم می‌خورد که می‌توان در جدول‌های ۶ و ۷ مشاهده نمود. بر اساس نتایج آنالیزها به روش تحلیل سلسه مراتبی، تعادل بین فضای باز و بسته دارای بیشترین ارزش و زیبایی فضا، تراکم و تعداد طبقات، دسترسی، شفافیت، مصالح، بافت و تزیینات دارای ارزش بیشتری نسبت به سایر معیارها در حس تعلق داشته‌اند، همچنین نتایج تحلیل به روش معادلات ساختاری نشان می‌دهد که از دیدگاه طراحان، نحوه دسترسی داخلی به فضاها (ارتباط فضای خصوصی و نیمه عمومی) و وجود تنوع فضایی و تعداد طبقات (زیر ۴ طبقه) دارای اهمیت بیشتری است بین حضور حیاط و نشانه فرهنگی و نشانه‌های تاریخی؛ تنوع فضایی و نشانه فرهنگی، تراکم-تعداد طبقات و نشانه فرهنگی؛ چیدمان فضایی و عوامل خاطره‌انگیز؛ چیدمان فضایی و شفافیت؛ تعمیر و نگهداری و رضایت؛ چیدمان فضایی و میزان نورگیری، رنگ و تناسب فضا؛ تزیینات و نشانه فرهنگی، روابط و چیدمان و رضایت؛ تنوع و راحتی فضا بیشترین میزان رابطه معنادار برقرار است.



اهمیت حس
تعلق به فضا از
دیدگاه
شهروندان

تصویر ۱- رتبه بندی معیارها بر حسب نظر شهروندان

و از نظر شهروندان، تطابق با شرایط فرهنگی، زیبایی فضا، راحتی و آسایش برای صرف وقت بیشتر در خانه دارای اهمیت بالاتر است و بین معیار نورگیری فضا و تنوع فضایی؛ تناسب و رنگ فضا؛ بافت و رنگ، تراکم و رضایت، مالکیت و رضایت، شفافیت و امنیت؛ راحتی و رضایت، تزئینات و کیفیت بصری؛ رنگ و کیفیت بصری؛ نماد گیاهی و عوامل خاطره‌انگیز؛ انعطاف‌پذیری فضا و رضایت رابطه معنادار قوی‌تری برقرار است.

این مسئله نشان‌دهنده متفاوت بودن اولویت‌ها از نگاه شهروندان با نگاه طراحان دارد، که قابل تأمل بوده و بررسی است.

فهرست منابع

- آصفی، م.، ایمانی، ا. (۱۳۹۵). بازتعریف الگوهای طراحی مسکن مطلوب ایرانی - اسلامی معاصر با ارزیابی کیفی خانه‌های سنتی، فصلنامه پژوهش‌های معماری اسلامی، شماره ۱۱.
- بل، س. (۱۳۸۶). منظر - الگو - ادراک و فرآیند، ترجمه امین زاده، دانشگاه تهران.
- بیرا، ا.، هیگنزا، ا. (۱۳۸۱). برنامه ریزی محیطی برای توسعه زمین، مترجم: سید حمید کریمی، انتشارات دانشگاه تهران.

- بهرام پور، ع.، مدیری، آتوسا. (۱۳۹۴). مطالعه رابطه میان رضایتمندی ساکنان از محیط زندگی و میزان حس تعلق آن ها در مجتمع مسکونی بلند مرتبه شهرک کوثر تهران، نشریه هنرهای زیبا، دوره ۲۰، ۳.
- بهزادفر، م.، قاضی زاده، ن. (۱۳۹۰). حس رضایت از فضای باز مسکونی، نمونه مورد مطالعه: مجتمع های مسکونی شه تهران، نشریه هنرهای زیبا، دانشگاه تهران.
- پاکزاد، ج. (۱۳۹۰). سیر اندیشه ها در شهر سازی -از فضا تا مکان، جلد سوم، آرمان شهر، تهران.
- ترنر، تام (۱۳۸۴)، شهر همچون چشم انداز: نگرشی فراتر از فرانکوگرای به طراحی و برنامه ریزی شهری، ترجمه نوریان، شرکت پردازش و برنامه ریزی شهری.
- چرخچیان، م. (۱۳۸۸). بررسی تحلیل عوامل موثر بر دل بستگی به فضاهای عمومی شهری، پایان نامه دکتری معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت ایران.
- حبیبی، م. (۱۳۷۹). جامعه مدنی و حیات شهری، مجله هنرهای زیبا-۷.
- حیدری، ع.ا.، مطلبی، ق.، نگین تاجی، ف. (۱۳۹۳) تحلیل بعد کالبدی حس تعلق به مکان در خانه های سنتی و مجتمع های مسکونی امروز، نشریه هنرهای زیبا، ۱۹-۳
- دارایی، ن. (۱۳۹۶). تحلیل و بررسی بافت فرسوده بخش مرکزی شهر کرمانشاه از منظر زیست پذیری، پایان نامه کارشناسی ارشد به راهنمایی محمد سلیمانی و سیمین تولایی. دانشگاه خوارزمی
- داندیس، د. (۱۳۸۳). مبادی سواد بصری، مسعود سپهر، تهران، انتشارات سروش.
- رستمی، ف. (۱۳۹۴). تحلیل فضایی شاخص های کمی و کیفی مسکن در شهر کرمانشاه، پایان نامه جهت دریافت درجه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد واحد کرمانشاه.
- زبردست، ا.، بنی عامریان، م. (۱۳۸۹). بررسی ارتباط میان شاخص های عینی و ذهنی بعد خدمات عمومی کیفیت زندگی شهری در شهر جدید هشتگرد، نامه معماری و شهرسازی، دوره ۲-۳
- سرمست، ب.، متوسلی، م. (۱۳۸۹). بررسی و تحلیل نقش مقیاس شهر در میزان حس تعلق به مکان (مطالعه موردی: شهر تهران) دو فصلنامه مدیریت شهری، ۲۶
- صافیان، م. (۱۳۹۰). بررسی پدیدار شناختی- هرمنوتیک نسبت مکان با هنر معماری نشریه پژوهش های فلسفی دانشگاه تبریز ۸-
- صادقی، ف.، دانشگر مقدم، گ.، دژدار، ا. (۱۳۹۱). بررسی رابطه طرح کالبدی در مجتمع های مسکونی و حس دل بستگی به مکان در بین ساکنین (مطالعه موردی- مجتمع های مسکونی امام خمینی و امام رضا در همدان)- ۳۰
- فرهنگی، س. (۱۳۷۴). پیش بینی وضع مسکن در نقاط شهری استان گیلان. در مجموعه مقالات دومین سمینار سیاست های توسعه مسکن در ایران، جلد دوم. تهران، وزارت مسکن و شهرسازی
- فلاح، م (۱۳۸۵) مفهوم حس مکان و عوامل تشکیل دهنده ی آن. فصلنامه هنرهای زیبا-۲۶
- قاسمی اصفهانی، م. (۱۳۹۰). اهل کجا هستیم؟ هویت بخشی به بافت مسکونی، روزنه، تهران.
- کشفی، م.ع.، حسینی، ب.، نوروزیان ملک، س. (۱۳۹۱). نقش فضاهای عمومی ساختمان های مسکونی بلند مرتبه در افزایش تعاملات اجتماعی ساکنین؛ پژوهش موردی: برج بین المللی تهران، مدیریت شهری، دوره ۱۰-۳۰
- میرغلامی، م.، آیشم، م. (۱۳۹۵)، مدل مفهومی ارزیابی حس مکان بر اساس مولفه های کالبدی، ادراکی، عملکردی و اجتماعی، مطالعات شهری-۱۹.
- نقره کار، ع. (۱۳۸۸). مبانی نظری معماری، تهران، دانشگاه پیام نور.
- نقی زاده، م. (۱۳۸۱). تاثیر معماری و شهر بر ارزش های فرهنگی، نشریه هنرهای زیبا، ۱۱.
- Amerigo, M. Aragones, Juan Ignacio. (1990). Residential Satisfaction in Council Housing. Journal of Environmental Psychology, 10, 313-325.

- Backlund. W. (2003). A quantitative synthesis of place attachment research: Investigating past experience and place attachment, Northeast Research Station.
- Bonnes, Mi et.al. (1991). Crowding and Residential Satisfaction in the Urban Environment: A Contextual Approach, *Environment and Behavior*, Vol.23. No.5.
- Brocato, ED. (2006). Place Attachment: An Investigation of Environments and out comes in a Service Context. Dissertation Proposal Presented to the Faculty of the Graduate School of The University of Texas at Arlington in Partial Fulfillment of the Requirements for the Degree of Doctorate of Philosophy.
- Carp, F., Zawadski, R., Shokron, H. (1976). Dimensions of urban environmental quality. *Environment and Behavior*, 8(2). 239-264.
- English Partner Ships. (2011). Quality standards – delivering quality places: places-homes-people, available at: www.englishpartnerships.co.uk, (sep, 2014).
- Galster, G.C., Hesser, G.W. (1981). Residential Satisfaction Composition and Contextual Correlates. *Environment and Behavior*, 13(6): 735-758.
- Ge, j., Hakao, k, (2006). Research on Residential Lifestyles in Japanese Cities from the viewpoints of Residential Preference, Residential Choice and Residential Satisfaction, *Landscape Urban plan*, 78(3), pp. 165-178.
- Gustafson, P, (2001), Meaning of Place: Everyday experience and theoretical conceptualizations, in *Journal of Environmental Psychology*, No. 21, pp. 5-16.
- Hernandez, B, Ana M. Martin, C Rand. (2007). The Role of Place Identity and Place Attachment in Breaking Environmental Protection Laws, *Journal of Environmental Psychology*, XXX: 1-8.
- Jordan, T., (1996). Recent German research on space-related attachment and regional identities. *Geografiska Annaler*, vol 78, pp. 99-111.
- Kadri K, Annemarie R, Hannes P. (2019). Turning a landscape into a suburban community and the realization of a sense of place, *Journal of Cities*.
- Khaef, S & Zebardast, E. (2015). Assessing quality of life dimensions in deteriorated inner areas: acase from Javadieh neiborhood in Tehran metropolis, open access. In: *Social indicators research*, (2015) IN PRESS.
- Lewicka, M., (2008). Place attachment, place identity, and place memory: Restoringthe forgotten city past. *Journal of Environmental Psychology*, vol 28, pp.209-231.
- Lindsay J.M., Gifford. (2017). Spatial navigation and place Imageability in sense of place, *Cities journal*.
- Patterson, M.E., and Williams, D.R., (2005). Maintaining research traditions on place: Diversity of thought and scientific progress. *Journal of Environmental Psychology*, vol 25, pp. 361-380.
- Roger B. Chen Ashok Sekar. (2018). Investigating the impact of Sense of Place on site visit frequency with nonmotorized travel modes, *Journal of Transport Geography*.
- Rollero, C., De Piccoli, N. (2010). Place attachment, identification and environmental perception: An empirical study. *Journal of Environmental Psychology*, 30(2), 198– 205.
- Seamon D. (2000). A way seeing people and place: Phenomenology in environment- behavior research. Kluver Academic/Plenum Publishers, New York.
- Stedman, R. (2002), Toward a social psychology of place: Predictive behavior from place-based cognitions, attitudes, and identity, *Environmental Behavior*, No. 34, 561-581
- Teo, P., Huang, S., (1996). A Sense of Place in Public Housing, A Case Study of Pasir Ris Singapore. *Habitat International*, vol 20, pp. 307–325.
- Ujang, N. (2010). Place attachment and continuity of urban place identity, *Asian Journal of environment Behavior studies*, 11, pp. 41-74.
- Van Poll, Ric. (1997). The Perceived Quality of Urban Environment: A Multi-Attribute Evaluation, Unpublished doctoral dissertation, University of Groningen.

- Van Kamp, I., Leidelmeijer, K., Marsman, G., Hollander, A.D. (2003). Urban Environmental Quality and Human Well-being towards a Conceptual Framework and Demarcation of Concepts; a Literature Study, *Landscape Urban Planning*, 65, 5-18.
- Wells Jeremy C. Stiefel Barry L., (2019). *Human-Centered Built Environment Heritage Preservation, Theory and Evidence-Based Practice*. First published 2019 by Routledge.
- Williams, D. Vaske, J. (2003). The Measurement of Place Attachment: Validity and Generalizability of a Psychometric Approach, *Forest science* 49(6) p 830-840